



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



پيرهان الدين «سعيدى»

تاريخ نشر: 12 جولای 2022 ميلادى

مشاېره ميان «منافق و صادق» !

منافق !

بلى آقاى صادق ...؟ آخر الامر اخلاص ، صداقت ، ايماندارى ، امانت ، فروتنى و عمل خيرخواه و صالح تو باعث آن گرديد تا باد غرور بکاخ دماغ من وزيده و اهنک تخريب و نابوديت را بخوانم.

بلى ! باقيافه حق به جانب و معصومانه ؛ به همه داد و فريادم را بلند کردم و برای همه گفتم که علم، دانش ، استعداد ، لياقت و خدمت واقعي و تخصص تو ؛ باعث کسر شانم گرديده و از جانب هم روش نیک، برخوردارنيک، کرکترنيک تو مطابق نیاز و شرايط نوين نيست و زمينه را برای رشد و ارتقاع من محدود ساخته است و ...

آقاى صادق ... ! اکنون که به هدفم نایل ميشوم به وضاحت ميتوان « تفرقه ، نفاق ، تنفر ، کينه ، بغض ، خباثت ، ردالت ، غم ، اندوه ، ظلم ، ستم ، دهشت ، وحشت ، جنگ ، تنگدستی ، فقر ، بيچاره گى » و بالاخره تباهى و نابودى را درهمه جا دريافت نمائى و ضمناً آنهاى که با تو بودند و از اعمال پشتميانى مينمايند ، عنقریب مهر « تابه » بدنامى در پيشانى آنها زده ميشود تا در « ضلالت ، فقر و تنگدستی » ، زندگى نمايند.

صادق !

بلی اقای منافق ... ! بگوش هوش بشنو و بغور تمام دریاب که :
تو...! به پای خود فکر میکنی و به کله خود راه میروی !

تو...! در صحبت کردن، دروغ میگویی ؛ در امانت، خیانت میکنی ؛ به عهد و پیمانی خود ،
صادق نیستی و در دعوا، دشنام و ناسزا میگوئی.

تو...! از اهل و تبار « فتنه و شرارت » هستی ! نیت و عمل تو صالح و خیرخواه نیست بلکه
به زبان « ظاهر » فقط بخاطر بدست آوردن نعمات زندگانی ایمان آوردی و به قلب « باطن »
از « حق ، حقانیت و معاد » ، انکار کردی .

تو...! با چهره حق به جانب در صدد هستی تا اعمال همفکرانت را که خلاف مصالح و منافع و
خاصاً « حرام و بدعت » است؛ صیغه حقیقی بدهی.

تو...! مرض مهلک و ساری همچو « تبعیض ، تعصب ، تحجر ، جمود و غیرت » را در مقابل
« انسانیت ، اخلاص ، صداقت و ایمانداری ، خیر و سلم و ... » زرع کردی و بی صبرانه منتظر
حاصل آن که « تفرقه ، عناد ، حسادت ، جهالت ، نادانی ، کوردلی ، نفرت ، بدبینی ، ترس
و خوف عمومی » است، میباشی.

اقای منافق ...!

برای چند لحظه سر در گریبان کن و با خود بی اندیش که کی بودی؟ چه شدی؟ و چه کردی؟
یا ؛ تونبودی که از حق و حقانیت انکار کردی، قرین و همکار شیطان شدی و به صد چال و
قریب بالای همه عیب و ریشخند زدی و حتی به الهی و فرستاده اش کفر ورزیدی و ...
آیا ؛ تو نبودی که به « فتنه ، نیرنگ و خباثت » به دایره قدرت رسیدی و با مثل ازدها ،
نهنگها، بلا ها و .. چشم برجان ، برمال ، بر ملک و بیت المال ... دوختی و صاحب « خزانه ها
و صندوق خانه ها » شدی .
در حالیکه در گذشته و گذشتهها، نه خود و نه هم اجدادت نه قارون بودند و نه هم هامون !
بلکه تنها تحولات و ارونه زمانه و شرایط باعث آن شد که تو را از درجه « جهالت، کوردلی ،
بی سوادی، مفلسی و مفلوکی » به درجه اقا، صاحب و... ارتقاع داد .

اقای منافق ... !

به وضاحت بشنو که : شعار و عملکرد های تو فقط تخم پر حاصل که لاینقطع در سرزمین بلا
کاشته شده و میوه آن بر خرمن امراض « کینه ، حرص ، عداوت ، تنفر و بدبینی و ... »
افزوده میشود ، میباشی.

تو نه منشأ و نه مبدا منطقی داری و نه هم به منفعت، مصلحت و خیر و سعادت بشریت هستی؛
بلکه فقط « قرین » بودن با شیطان را به منفعت خود تلقی کرده و به آن باغرور و سربلندی
افتخار میکنی در حالیکه: « غرور و خود خواهی ، خاصه مستکبرین است ؛ با وجود اینکه
بقا ندارد ، انسان را به تباهی میکشد . »

اقای منافق ... !

افتاب بخت و اقبال رو بزوال است و با مثل انسانهای گم شده و سرگردان در بیابان تاریک و مخوف راهی هستی و از جانب هم تو از قافله انسانیت و ایمان عقب مانده و حتی الهی نور هدایت خود را از تو گرفته است.

بنابراین « خود خواهی ، غرور ، تکبر ، یکه تازی ، تشدد ، ظلم و ستم » بقا ندارد ؛ دنیا و کار دنیا همه و همه گذشتنی و گذاشتنیست و این همه جاه و جلال و عز و اقبال تو برباد شدنی است. چنانچه گفته اند: « گنج به قارون نماند و تخت به سلیمان! » .

بنأ ؛ صادقانه توصیه میدارم :

درگاه عفو و بخشش الهی ؛ بی نهایت بزرگ است ! از اعمالت به رحمن و رحیم ندامت و توبه کرده و فقط الله سبحانه و تعالی را با اخلاص تسبیح بگو و با نیت پاک توام با « خضوع و خشوع » سجده و پرستش کن !

محکمه الهی دور نیست ! همه اعمالت نره به نره در ترازوی عدالت وزن خواهی شد و با مثل « اصحاب شمال » نامه عمل خود را با دست چپ دریافت خواهی کرد و به شکل هیزم و سنگ در « آتش دوزخ » خواهی سوخت که در آن وقت ، ندامت و پیشیمانی سودی نخواهد داشت.

برهان الدین « سعیدی »

منابع :

- ۱- ایه مبارکه « ۸ - ۱۹ » سوره ۱: البقره « در مورد خواص منافق ».
- ۲- ایه مبارکه « ۴۵ - ۴۸ » سوره ۹: التوبه « در مورد نداشتن ایمان و شک و تردید ».
- ۳- ایه مبارکه « ۷۹ - ۸۰ » سوره ۹: التوبه « در مورد ریشخند و کفرورزیدن به خدا و رسول ».
- ۴- ایه مبارکه « ۳۵ - ۳۷ » سوره ۴۳: الزخرف « رز و زیور فاسقان و قرین با شیاطین ».
- ۵- ایه مبارکه « ۱۵ » سوره ۷۲: الجن « در مورد منحرفین ؛ که هیزم و آتش دوزخ هستند » .
- ۶- ایه مبارکه « ۲۴ » سوره ۱: البقره « در مورد سوختن در آتش دوزخ » .
- ۷- ایه مبارکه « ۴۱ » سوره ۵۶: الواقعة « در مورد اصحاب شمال و ... » .
- ۸- ایه مبارکه « ۶ - ۸ » سوره ۹۹: الزلزله « در مورد نره ای نیکی و نره ای بدی »
- ۹- حدیث « ۳۴ » صحیح بخاری : در مورد منافق کیست.
- ۱۰- اندرز مولانا سعید افغانی : « غرور و خود خواهی ، خاصه مستکبرین است و ... » .

بازگشت به صفحه اصلی - www.said-afghani.org